

اورشلیم ویران می‌شود می ۵۸۶ ق.م	اولین گروه تبعیدیان به اورشلیم باز می‌گردند می ۵۳۷ ق.م	کار بازسازی معبد آغاز می‌شود ۵۳۶ ق.م	حجی و زکریا نبی می‌شوند ۵۲۰ ق.م	کار بازسازی معبد به پایان می‌رسد ۵۱۶ ق.م
--	--	---	--	--

کسی از سر سهل‌انگاری گلدانی را به زمین می‌اندازد و می‌شکند؛ انگشتان کودکی خردسال بیش از حد بر عروسکی فشار می‌آورد و آن را می‌شکند؛ دستان تنومند فردی خشمگین بر چیزی پلاستیکی فشار آورده، آن را پاره می‌کند. پاکسازی یا مرمت آنچه ریخته یا خراب شده، وقت و پول فراوانی می‌طلبد، اما سنگین‌بهار از آن مرمت روابطی است که از هم گسسته، بی‌وفایی، ناراستی، سخنان کینه‌توزانه و سوگندهای پایمال‌شده همگی باعث از هم پاشیدن روابط ظریف شخصی و وارد آمدن جراحاتی است که به این آسانی‌ها نمی‌توان مرمت‌شان کرد. اما از همه غم‌انگیزتر، گسست رابطه با خدا است.



محبت خدا عالی و کامل است. او محبتش را در عمل نشان می‌دهد: برکات و عطایای فراوان به ما می‌بخشد، هدایمان می‌کند و از ما محافظت به‌عمل می‌آورد. او خدایی باوفا است و به وعده‌هایی که به قوم خاص خود داده عمل می‌کند. اما آنان پیوسته و لجوجانه این خدای پر محبت را رد می‌کنند، عهدی را که با او بسته‌اند زیر پا می‌گذارند، خدایان دیگر را می‌پرستند، و هر طور دلشان می‌خواهد زندگی می‌کنند. از این رو، رابطه بین آنها و خدا فرو می‌پاشد.

اما این گسست ترمیم‌ناپذیر نیست. هنوز امید باقی است. خدا قادر است آنچه را که گسسته و از هم پاشیده، شفا بخشد، ترمیم کند و از نو احیا نماید. او آماده بخشش است، و معنای فیض نیز همین است.

آری، این است پیام ملاکی، نبی خدا در اورشلیم. او با یهودیان، این قوم برگزیده خدا، از ناطاعتی لجوجانه‌شان سخن می‌گوید. اول به سراغ کاهنان می‌رود (۱:۱-۹:۲)، و بعد هم از سرکشی و ناطاعتی دیگران سخن می‌گوید (۲:۱۰-۱۵:۳). قوم اسرائیل نام خدا را بی‌حرمت ساخته بودند (۱:۶)، پرستششان راستین نبود (۷:۱-۱۴)، دیگران را به گناه می‌کشاندند (۲:۷-۹)، فرامین خدا را زیر پا می‌گذاشتند (۲:۱۱-۱۶)، شرارت و بدی را «خوب» می‌خواندند (۲:۱۷)، ده‌یک و هدایایی را که از آن خدا بود برای خود نگاه می‌داشتند (۳:۸-۱۲)، و مغرور و متکبر شده بودند (۳:۱۳-۱۵). رابطه آنها با خدا گسسته شده بود، و می‌بایست به این خاطر داوری و مجازات می‌شدند. با این حال، در میان این همه شرارت، عده اندکی که همان معدود باقی‌مانده وفادار بودند، همچنان از خدا پیروی می‌کردند و او را حرمت می‌نهادند. و خدا وعده داد که برکتش را بر این افراد جاری سازد (۳:۱۶-۱۸).

این همه بی‌وفایی قطعاً وحشتناک است و سزاوار مجازات، اما در پس آن، پیام امید و امکان بخشش نمایان است. و این حقیقت به زیبایی در فصل چهار، آیه دو بیان شده است: «اما برای شما که ترس مرا در دل دارید، آفتاب عدالت با پرتو شفافش خود طلوع خواهد کرد، و شما شاد و سبکبال مثل گوساله‌هایی که به چراگاه می‌روند، جست و خیز خواهید نمود.» (۴:۱-۲).

شخصیت‌های مهم:

ملاکی، کاهنان

مکان‌های مهم:

اورشلیم، معبد

آمار حیاتی:

هدف:

قوم خدا را متوجه گناهانشان سازد و رابطه‌شان را با خدا ترمیم کند.

نویسنده:

ملاکی

مخاطبین:

یهودیان ساکن اورشلیم، و قوم

خدا در همه جا

تاریخ نگارش:

تقریباً ۴۳۰ ق.م

زمینه تاریخی:

ملاکی، حجی و زکریا، انبیای دوران بعد از تبعید بودند که برای مردم یهودا (حکومت جنوبی) نبوت می‌کردند. حجی و زکریا مردم را سرزنش کرده بودند که چرا در بازسازی معبد کوتاهی ورزیده‌اند. ملاکی آنان را متوجه این گناهشان ساخت که نسبت به معبد بی‌اعتنا شده‌اند و عباداتشان دروغین و ناپاک است.

آیات کلیدی:

«خداوند قادر متعال می‌فرماید: روز داوری مثل تنوری شعله‌ور فرا می‌رسد و همه اشخاص مغرور و بدکار را مانند کاه می‌سوزاند... اما برای شما که ترس مرا در دل دارید، آفتاب عدالت با پرتو شفافش خود طلوع خواهد کرد و شما شاد و سبکبال مثل گوساله‌هایی که به چراگاه می‌روند، جست و خیز خواهید نمود.» (۴:۱-۲).

ملاکی نبی می شود م. ۴۳۰ ق.	نحمیا به اورشلیم می آید م. ۴۴۵ ق.	عزرا به اورشلیم می آید م. ۴۵۸ ق.	خشیایارشا پادشاه ایران می شود م. ۴۶۵ ق.	استر ملکه ایران می شود م. ۴۷۹ ق.
-------------------------------------	--	---	---	--

کتاب ملاکی پلی است بین عهدعتیق و عهدجدید. به هنگام مطالعه این کتاب، تصور کنید این پیغام خدا به قومش خطاب به خود شما است. ببینید به راستی چقدر نسبت به خدا متعهدید، چقدر از روی صداقت او را می پرسید، و زندگی تان چقدر در مسیر او است؟ آنگاه اجازه دهید خدا با محبت و بخشش خود، رابطه تان را با خود ترمیم کند و از نو احیا سازد.

جنبه خاص:
سبک ادبی ملاکی به شیوه ای است که در آن پیوسته سؤالاتی از سوی خدا و قومش عنوان می شود (به عنوان مثال در ۷:۸ و ۷:۸).

تقسیم بندی کلی:

ملاکی، قوم و کاهنان را به این خاطر که نسبت به عبادت خدا سست و بی اعتنا شده بودند و مطابق کلام خدا زندگی نمی کردند، سخت سرزنش کرد. اگر کاهنان به خدا وفادار نبودند، چطور می توانستند مردم را رهبری کنند؟ آنان به جای اینکه رهبران روحانی مردم باشند، برای آنها سنگ لغزش بودند. اگر مردان قوم اسرائیل زنان خود را طلاق می دادند و با زنان بت پرست ازدواج می کردند، چطور می توانستند برای فرزندان شان نمونه خوبی باشند و رهبری شان کنند؟ رابطه آنان با خدا دیگر برایشان اهمیت چندانی نداشت. ما نیز آنگاه که به رابطه مان با خدا آنطور که باید و شاید بها نمی دهیم، می توانیم با کنار گذاشتن عادات گناه آلود خود و معطوف ساختن فکر و ذهنمان بر خداوند، این رابطه را تقویت کنیم و هر روزه بهترین های خود را برای خدا کنار بگذاریم.

- ۱- کاهنان گناهکار (۱:۱-۲:۹)
- ۲- قوم گناهکار (۲:۱۰-۳:۱۵)
- ۳- معدود افراد وفادار (۳:۱۶-۴:۶)

موضوع‌های مهم

موضوع

توضیحات

اهمیت موضوع

محبت خدا

خدا قوم خود را دوست دارد، حتی آنگاه که نسبت به او بی‌اعتناوند یا از او ناطاعتی می‌کنند. او می‌خواهد کسانی را که به او وفادارند غرق در برکات سازد. آری، محبت او را پایانی نیست.

از آنجا که خدا بی‌نهایت ما را دوست دارد، از ریا و زندگی لاقید متنفر است. چنین زندگی‌ای باعث می‌شود خدا نتواند آن رابطه‌ای را که می‌خواهد، با ما داشته باشد. آنچه که به خدا می‌دهیم و نحوه زندگی‌مان، نشان می‌دهد که چقدر در محبت‌مان نسبت به خدا از روی صداقت عمل می‌کنیم.

گناه کاهنان

ملاکی انگشت اتهام را به سوی کاهنان دراز می‌کند و آنان را محکوم می‌سازد. آنان می‌دانستند خدا از آنها چه می‌خواهد، و با این حال، قربانی‌هایی که به حضور او می‌آوردند ناشایست و بی‌ارزش بود، خدمتشان از روی صداقت نبود، و افرادی تنبل و مغرور و بی‌مسئولیت بودند. این کاهنان، عبادت خدا و اجرای فرامین او را سرسری می‌گرفتند.

اگر رهبران مذهبی خود دچار انحراف شوند، چطور می‌توانند مردم را رهبری کنند؟ ما همگی به نوعی رهبر هستیم و مسئولیت‌هایی بر عهده داریم. بنابراین هرگز از مسئولیت‌هایی که بر دوشان است غافل مشوید و نگذارید راحت‌طلبی معیار زندگی‌تان شود. لاقیدی و غیرمسئولانه عمل کردن، ناطاعتی از خدا است. خدا رهبرانی می‌خواهد که امین، وفادار و صادق باشند.

گناه مردم

قوم از واقعه تبعید درس عبرت نگرفته بودند و به سخنان انبیا گوش نداده بودند. مردان در کمال سنگدلی زنان باوفایشان را طلاق می‌دادند تا با زنان جوان‌تر بت‌پرست ازدواج کنند. و این کار برخلاف احکام خدا بود، زیرا سرپیچی از دستور او در مورد ازدواج بود، و تعلیم و تعلّم دینی فرزندان را نیز به مخاطره می‌انداخت. اما غرور، دل قوم را سخت کرده بود.

خدا شایسته است که بهترین‌های خود را به حضورش بیاوریم و او را به بهترین وجه عبادت کنیم، حرمت نهیم و از دل و جان نسبت به او وفادار باشیم. اما گناه باعث می‌شود که نسبت به وضعیت واقعی خود بی‌اعتنا شویم. بنابراین اجازه ندهید غرور مانع از آن شود که وقت و نیرو، پول، ازدواج و خانواده‌تان را همگی تقدیم خدا کنید.

آمدن خداوند

محبت خدا نسبت به قوم وفادارش، از طریق آمدن مسیح موعود به اثبات می‌رسد. تمام امیدهای قوم تحت رهبری مسیح به تحقق خواهد پیوست. روز آمدن مسیح موعود، برای معدود کسانی که به خدا وفادار مانده‌اند روز تسلی و شفا، و برای آنان که او را رد کرده‌اند، روز داوری و مجازات خواهد بود.

مسیح بار اول که به این جهان آمد، قلب تمام کسانی را که به او ایمان آوردند پاک و طاهر ساخت. او بار دوم که باز گردد، کسانی را که مغرور، لاقید و بی‌تفاوت‌اند یا برای آمدن او آماده نیستند، رسوا و محکوم خواهد ساخت. با این حال، خدا می‌تواند کسانی را که نزد او آیند شفا بخشد و رابطه گسسته‌شان را با خود ترمیم کند. آری، همه کسانی که نزد او آیند می‌توانند از بخشش او بهره‌مند گردند.

۱- کاهنان گناهکار (۱:۱-۹:۲)

محبت خدا نسبت به قومش

این است پیام خداوند که بوسیله ملاکی نبی به اسرائیل داده شد.

۱ ^۲خداوند می فرماید: «من شما را همیشه دوست داشته‌ام!»

ولی شما می گوید: «تو چگونه ما را دوست داشته‌ای؟»

خداوند می فرماید: «من جد شما یعقوب را محبت نمودم، هر چند لایق محبت نبود، و به این ترتیب نشان دادم که شما را دوست دارم، ولی عیسو را که برادرش بود رد کردم و سرزمین کوهستانی او را ویران نمودم و آن را جای شغالهای بیابان ساختم.»

۴ شاید ادومی‌ها که فرزندان عیسو هستند بگویند: «ما برمی گردیم و سرزمین ویران خود را دوباره آباد می کنیم.» ولی خداوند قادر متعال می گوید: «اگر آن را آباد کنند من دوباره ویرانش خواهم کرد. سرزمین آنها «سرزمین شرارت» خوانده خواهد شد و مردمشان به «قومی که خداوند آنها را هرگز نمی بخشد»، مشهور خواهند گردید.»

۵ ای قوم اسرائیل، وقتی با چشمان خود آنچه را که خداوند در سراسر دنیا انجام می دهد ببینید، خواهید گفت: «براستی که قدرت عظیم خداوند در آنسوی مرزهای ما نیز دیده می شود.»

۱:۱

اش ۱:۱۳

زک ۱:۹

۲:۱

روم ۱۳:۹

۴:۱

اش ۹:۹

۵:۱

مز ۲۷:۳۵ ؛ ۵۸:۱۱ و ۱۱

میکا ۴:۵

بدبین اند و ملاک موفقیت را صرفاً پیشرفت سیاسی و اقتصادی می دانند. از آنجا که دستگاه حکومتی اسرائیل فاسد بود و مردم نیز از لحاظ اقتصادی فقیر بودند، چنین تصور می کردند که خدا آنها را دوست ندارد. اما آنان در اشتباه بودند. خدا تمام ابناء بشر را دوست دارد، زیرا آنها را خود آفریده است. منتهی پاداش / پلای او تنها مخصوص کسانی است که به او وفادارند.

۵-۲:۱ عبارت «عیسو را... رد کردم»، صرفاً بدین معنا است که خدا یعقوب را انتخاب کرد تا از طریق او قوم اسرائیل و مسیح موعود ظهور کنند. پس منظور اشاره به سرنوشت ابدی عیسو نیست. خدا اجازه داد عیسو پدر ملتی بزرگ شود، منتهی این قوم، یعنی ادومیان، بعدها یکی از سرسخت ترین دشمنان اسرائیل شدند. شرح این داستان در پیدایش ۱۹:۲۵-۳۴ و ۲۷:۳۰-۴۳ آمده است. و از آنجا که خدا تصمیم گرفت مردم دنیا را از طریق یعقوب و قومی که از نسل او بودند برکت دهد، همیشه به آنان توجهی خاص داشت. اما نکته غم انگیز این است که این قوم پس از آنکه خدا آنها را برگزید، تصمیم گرفتند او را رد کنند.

۱:۱ ملاکی که آخرین نبی عهدعتیق است، پس از حجتی، زکریا و نحμία، یعنی در حدود سال ۴۳۰ ق.م، موعظه و نبوت می کرد. از زمان بازسازی معبد تقریباً یک قرن می گذشت، و مردم رفته رفته آن شور و اشتیاق سابق را برای عبادت خدا از دست می دادند. پیشگویی های هیجان انگیزی که اشعیا، ارمیا و میکاه درباره مسیح موعود کرده بودند هیچ یک عملی نشده بود، و از این رو مردم احساس یأس و سرخوردگی می کردند و بی تفاوت شده بودند. بسیاری از آن گناهانی که باعث شده بود اورشلیم در سال ۵۸۶ ق.م نابود شود، هنوز در یهودا رواج داشت. در این میان، ملاکی از طریق به تصویر کشیدن گفتگویی ملموس و تکان دهنده بین خدا و قوم سنگدلش، می کوشد مردم ریاکار را متوجه گناهشان سازد.

۲ و ۲:۱ اولین پیغامی که خدا از طریق ملاکی برای مردم داشت این بود: «من شما را همیشه دوست داشته‌ام.» اگرچه این پیام به طور مشخص تنها در مورد اسرائیل بود، پیام امیدی است برای همه مردم در تمام اعصار. متأسفانه، بسیاری از مردم در مورد حقیقی بودن محبت خدا بسیار

خدا قربانی‌های نا کامل را رد می‌کند

خداوند قادر متعال به کاهنان می‌فرماید: «پسر، پدر خود را و غلام، ارباب خویش را احترام می‌کند. پس اگر من پدر شما هستم احترام من کجاست؟ و اگر من ارباب شما هستم، حرمت من کجاست؟ شما نام مرا بی‌حرمت کرده‌اید. می‌گویید: «ما چگونه نام تو را بی‌حرمت کرده‌ایم؟» شما هنگامی نام مرا بی‌حرمت می‌کنید که قربانی‌های ناپاک روی قربانگاه من می‌گذارید. بلی، با این کارتان مرا تحقیر می‌کنید.^۸ حیوانات لنگ و کور و بیمار را برای من قربانی می‌کنید. آیا این قبیح نیست؟ اگر آن را به حاکم خود هدیه می‌کردید آیا او آن را می‌پسندید و از شما راضی می‌شد؟

۶:۱
خرو ۱۲:۲۰
تث ۳۱:۱
امث ۱۷:۱۱:۳۰
اش ۲:۱
ار ۹:۳۱
۷:۱
لاو ۲۱:۱۵
تث ۲۱:۱۵
۸:۱
لاو ۲۵:۱۹-۲۲
ملا ۱۴:۱

از زمان بازسازی شهر اورشلیم و معبد تقریباً یک قرن می‌گذشت، اما مردم رفته‌رفته نسبت به عبادت خدا سست و بی‌اعتنا شده بودند.

رابطه مردم با خدا به علت گناه گسسته شده بود و از این رو مجازات در انتظارشان بود. اما آن معدود کسانی که توبه می‌کردند، از برکات خدا بهره‌مند می‌شدند که وعده فرستادن مسیح موعود نشان‌دهنده آن است.

ریاکاری، بی‌اعتنایی نسبت به خدا، و زندگی لاقید و غیرمسئولانه، پیامدهای ویرانگری دارد. خدمت و عبادت خدا باید همواره در زندگی ما در اولویت باشد، چه در حال حاضر و چه در ابدیت.

هیچ نبی با ملاکی هم‌عصر نبود.

جو حاکم

پیغام اصلی

اهمیت پیغام

انبیای معاصر

ملاکی

ملاکی تقریباً مقارن سال ۴۳۰ ق.م به عنوان نبی برای مردم یهودا نبوت می‌کرد. او آخرین نبی عهدعتیق است.

منطقی بود که یهودیان بهترین حیوانات را برای خودشان نگاه دارند و آنهایی را که نمی‌خواستند، قربانی کنند. اما این قربانی‌ها برای خدا بود، و خدا شایسته است که بهترین‌های خود را تقدیم او کنیم. وقتی بهترین چیزهایمان را به او می‌دهیم، با این کار به او احترام می‌گذاریم و نشان می‌دهیم که به او اعتماد داریم که نیازهایمان را برآورده سازد. اما وقتی آنچه به او می‌دهیم درجه دو باشد، این تلویحاً بدان معنا است که خدا در زندگی‌مان در درجه دوم اهمیت قرار دارد. شما به خدا چه می‌دهید؟ آیا ملاک دادتان، رفاه‌طلبی و مصلحت‌اندیشی است؟

۸و۷:۱ مردم به این دلائل به‌طرزی ناشایست برای خدا قربانی می‌گزراندند: (۱) مصلحت‌اندیش بودند، یعنی می‌خواستند در تقدیم قربانی به خدا تا حد امکان صرفه‌جویی کنند؛ (۲) لاقید و سهل‌انگار بودند، یعنی اهمیتی نمی‌دادند که قربانی‌هایشان چگونه تقدیم خدا می‌شود؛ و (۳) یاغی و نامطیع بودند، یعنی هر طور دلشان می‌خواست قربانی می‌کردند، نه مطابق آنچه خدا دستور داده بود. نحوه دادن آنها، نشان‌دهنده حالت و احساس واقعی‌شان نسبت به خدا بود.

۱:۶-۶:۱ خدا کاهنان را متهم کرد به اینکه حرمت او را نگاه نمی‌دارند و از لحاظ روحانی برای قوم الگوی خوبی نیستند. معبد در سال ۵۱۶ ق.م بازسازی شده بود و مراسم عبادتی در آنجا اجرا می‌شد، منتهی کاهنان خدا را به‌طور شایسته عبادت نمی‌کردند. عزرائیل کاهن بیداری روحانی عظیمی را سبب شده بود، اما به زمان ملاکی که می‌رسیم، یعنی سال‌ها پس از مرگ عزرا، می‌بینیم منصب کهنات رو به زوال است. عبادت خدا دیگر آن پویایی و شور و غیرت گذشته را نداشت، و بیشتر حرفه کاهنان تصور می‌شد تا پرستش قلبی خدا.

۸-۶:۱ خدا اسرائیل را متهم کرد به اینکه قربانی‌های ناپاک و معیوب تقدیم او می‌کنند و با این کار نام او را بی‌حرمت می‌سازند. زندگی ما باید به سان قربانی‌ای زنده برای خدا باشد (رومیان ۱:۱۲). اگر تنها از زیادی وقت، پول و نیروی خود به خدا بدهیم، ما نیز گناه این پرستندگان را تکرار می‌کنیم که حاضر نبودند چیز باارزشی به خدا بدهند. آنچه به خدا می‌دهیم، نشان‌دهنده احساس واقعی ما نسبت به او است.

۸و۷:۱ اگر از دیدگاهی عملی به قضیه نگاه کنیم، کاملاً

۹:۱ «دعا می کنید و می گوئید: «خداوند، بر ما رحم کن! خداوند، لطف تو شامل حال ما بشود!» ولی وقتی که چنین هدایایی می آورید، چطور انتظار دارید دعای شما را اجابت کنم؟»

۱۰:۱ «خداوند قادر متعال می فرماید: «ای کاش یکی از شما کاهنان، درها را می بست تا چنین هدایایی روی قربانگاه من گذاشته نشود. از شما راضی نیستم و قربانی های شما را نمی پذیرم.»

۱۱:۱ «نام من در سراسر جهان بوسیله مردم غیریهود مورد احترام قرار خواهد گرفت و آنها به احترام نام من بخور خوشبو خواهند سوزانید و قربانی های پاک تقدیم خواهند کرد. آری آنها نام مرا با احترام فراوان یاد خواهند کرد.

۱۲:۱ «ولی شما نام مرا بی حرمت می سازید و قربانگاه مرا نجس می کنید، زیرا حیوانات معیوب بر آن می گذارید. ۱۳:۱ می گوئید: «خدمت کردن به خداوند کار مشکل و خسته کننده ای است»، و از دستورات من سرپیچی می کنید. حیوانات دزدیده شده، لنگ و بیمار برای من قربانی می کنید. آیا فکر می کنید من آنها را از دست شما قبول خواهم کرد؟ ۱۴:۱ لعنت بر کسی که بخواهد مرا فریب دهد و با آنکه نذر کرده قوچ سالمی از گله خود هدیه کند، حیوان معیوبی برای من قربانی نماید. من پادشاه عظیم هستم و مردم دنیا باید اسم مرا با ترس و احترام یاد کنند.»

۹:۱
ار ۱۸:۲۷
یول ۱۴:۱۳

۱۰:۱
اش ۱۳:۱
ار ۶:۲۰؛ ۱۴:۱۰ و ۱۲

۱۱:۱
مز ۱:۵۰؛ ۲:۱۴۱
اش ۶:۴۵؛ ۶:۶۰
ار ۱۰:۷ و ۱۰:۷

۱۳:۱
لاو ۴:۶؛ ۱۹:۲۲-۲۳
اش ۲۲:۴۳؛ ۸:۶۱

۱۴:۱
مز ۲:۴۷؛ ۳۵:۶۸
صف ۱۱:۲
زکر ۱۴:۹
ملا ۱۳:۱

اما اینک قوم او را تمام آن کسانی تشکیل می دهند که به او ایمان دارند، چه یهودی، چه غیریهودی. قوم برگزیده خدا اکنون مسیحیان اند، و قربانی خوشبو و پسندیده ما برای خداوند همانا زندگی تازه ای است که در مسیح داریم (۲قرتیا ۱۴:۲ و ۱۵). آیا حاضرید خود را در اختیار خدا قرار دهید تا شما را برای بلند کردن نام خود در میان ملت ها به کار ببرد؟ این مأموریت از خانه خودتان و در میان خویشان و همسایگانتان آغاز می شود.

۱۳:۱ خیلی ها فکر می کنند پیروی از خدا باعث می شود زندگی راحت و آسائتری داشته باشند. آنچه آنان جستجو می کنند، خدایی بی دردسر است. اما واقعیت این است که زیستن مطابق معیارهای خدا اغلب بی نهایت دشوار و طاقت فرسا است. او ممکن است ما را به داشتن یک زندگی توأم با فقر و درد و رنج فرا خواند. اما اگر خدمت به خدا برای ما بیش از هر چیز دیگر اهمیت داشته باشد، خواهیم دید که آنچه باید از دست دهیم در مقایسه با آنچه به دست خواهیم آورد، یعنی زندگی جاودان با خدا، هیچ ارزشی ندارد.

۱۰:۱ کاهنان به عنوان واسطه بین خدا و مردم، وظیفه داشتند خصائل و صفات الهی را منعکس سازند. آنان با پذیرفتن قربانی های معیوب و ناپاک، باعث می شدند مردم تصور کنند که خدا نیز چنین قربانی هایی را می پذیرد. ما نیز به عنوان افرادی مسیحی اغلب در وضعیتی مشابه این کاهنان قرار داریم، زیرا ما نیز برای دوستان و اعضای خانواده مان منعکس کننده خداییم. آنان در مورد صفات الهی خدا چه تصویری را در شما می بینند؟ اگر شما نیز گناه را سرسری بگیرید و بی اعتنا از کنار آن بگذرید، دست کمی از کاهنان زمان ملاکی ندارید.

۱۱:۱ در کتاب ملاکی نیز به مضمونی که در سرتاسر عهدعتیق مدام تکرار شده است، بر می خوریم: «اسم من در سراسر جهان بوسیله مردم غیریهود مورد احترام قرار خواهد گرفت... آنها اسم مرا با احترام فراوان یاد خواهند کرد.» خدا قومی برگزیده داشت که همانا یهودیان بودند و از طریق آنها می خواست تمام مردم دنیا را نجات و برکت دهد. خدا امروزه نیز همچنان می خواهد دنیا را از طریق قوم خود برکت و نجات دهد،

خدا به کاهنان خود هشدار می‌دهد

ای کاهنان، به این اخطار خداوند متعال گوش دهید:

۲ «اگر خود را اصلاح نکنید و نام مرا احترام ننمایید، شما را شدیداً مجازات خواهم کرد، و بجای اینکه شما را برکت دهم، شما را لعنت خواهم نمود. در واقع از همین حالا شما زیر لعنت هستید، زیرا اوامر مرا در دل خود جای نمی‌دهید.

۳ «فرزندان شما را تنبیه می‌کنم و سرگین حیواناتی را که برایم قربانی می‌کنید به صورتتان می‌پاشم و شما را مثل سرگین بیرون می‌اندازم. ۴ آنگاه خواهید فهمید به این دلیل چنین اخطاری به شما کردم تا شما را بسوی قوانین و دستوراتی که به جدتان لاوی داده بودم، بازگردانم. ۵ هدف از این قوانین این بود که به کاهنان نسل لاوی حیات و آرامش ببخشد تا ایشان با اجرای آنها نشان دهند که احترام و ترس مرا در دل دارند. ۶ کاهنان نسل لاوی قوانین حقیقی را به قوم تعلیم می‌دادند. نه دروغ می‌گفتند و نه تقلب می‌کردند بلکه از راههای من پیروی نموده، آنچه را که راست بود بعمل می‌آوردند. آنها توانستند بسیاری را از راههای گناه‌آلود بازگردانند.

۷ «کاهنان باید قوانین را تعلیم دهند تا مردم بتوانند خدا را بشناسند، زیرا کاهنان سخنگویان خداوند قادر متعال هستند و مردم باید برای راهنمایی پیش آنها بیایند؛ ۸ ولی شما راههای خداوند را ترک کرده‌اید و با راهنماییهای خود بسیاری را از راه راست منحرف ساخته‌اید. شما قوانین کاهنان را شکسته‌اید. ۹ بنابراین، من شما را در نظر مردم پست و خوار می‌گردانم، زیرا احکام مرا نگه نمی‌دارید و در اجرای قوانین، انصاف را رعایت نمی‌کنید.»

۱:۲

لاو ۱۷:۲۶-۱۴

تث ۲۰:۱۵-۲۸

۴:۲

اعد ۲۱:۱۸ : ۴۵:۳

۵:۲

اعد ۱۳:۸ و ۷:۲۵

۶:۲

مز ۱۴۲:۱۱۹ : ۳۰:۳۷

۷:۲

لاو ۱۱:۱۰

اعد ۲۱:۲۷

تث ۱۱-۸:۱۷

عز ۱۰:۷

نج ۸-۲۸

۸:۲

نج ۲۹:۱۳

اش ۱۶:۹

ار ۱۵:۱۸

حز ۱۰:۴۴

جهت نمی‌دانستند خواست او چیست، و اهمیتی هم به این موضوع نمی‌دادند.

۴:۲ لاوی مؤسس قبیله‌ای بود به همین نام. لاویان، نخست در خیمه عبادت و آنگاه در معبد، به خدمت خدا مشغول بودند. این قبیله کاملاً وقف خدمت به خدا بود و به این کار اختصاص یافته بود (اعداد ۱:۴۷-۵۴).

۷:۲ ملاکی از کاهنان خشمگین بود زیرا کلام خدا را نمی‌دانستند، و این عدم آگاهی سبب شده بود قوم خدا را به بیراهه بکشند. ناآگاهی آنان تعمدی و غیرموجه بود. شبانان و رهبران قوم خدا باید کلام خدا را بدانند، یعنی باید بدانند این کلام چه می‌گوید، معنای آن چیست، و برای زندگی روزمره چه کاربردی دارد. شما چه مقدار از وقت خود را به مطالعه و فراگیری کلام خدا اختصاص می‌دهید؟

۹:۲ کاهنان اجازه داده بودند افراد سرشناس و بانفوذ شریعت خدا را زیر پا بگذارند. آنان چنان به حمایت این افراد متکی بودند که جرأت نداشتند در مورد گناهانشان به

۲۱:۲ وقتی خدا از ما می‌خواهد نام او را جلال دهیم، منظورش این است که او را بپرستیم. و منظور از پرستیدن خدا نیز این است که اعتراف کنیم او خدای قادر مطلق، خالق آسمانها و زمین است؛ فقط او کامل است و با محبت کامل خود، به سراغ بشر گناهکار می‌آید.

۲۱:۲ کاهنان چیزهایی را که بی‌نهایت در نظر خدا مهم بود جدی نمی‌گرفتند، هرچند خدا بارها از طریق کلامش این چیزها را به آنان یادآوری کرده بود. شما از کجا می‌فهمید چه چیزهایی بیش از همه برای خدا مهم است؟ او را با تمامی دل، جان و قوت خود دوست بدارید (تثنیه ۵:۶). این بدان معنا است که به آنچه او در کلامش می‌گوید گوش فرا دهید و آنگاه با تمامی دل، فکر و اراده خود تصمیم بگیرید به آنچه او می‌گوید عمل کنید. وقتی خدا را دوست می‌داریم، کلام او به سان چراغی نورانی ما را در اعمال روزانه‌مان هدایت می‌کند. کاهنان زمان ملاکی خدا را دوست نداشتند، و به همین

۲- قوم گناهکار (۲: ۱۰-۱۵: ۳)

تقلب در اورشلیم

۱۰:۲ آیا همه ما از یک پدر نیستیم؟ آیا همگی ما بوسیله یک خدا آفریده نشده‌ایم؟ پس چرا به یکدیگر خیانت می‌کنیم و عهدی را که خدا با پدران ما بست می‌شکنیم؟^{۱۱} مردم یهودا، در اورشلیم و در سراسر خاک اسرائیل به خدا خیانت ورزیده، گناه بزرگی مرتکب شده‌اند، زیرا مردان یهودا با گرفتن زنان بت‌پرست، خانه مقدس و محبوب خداوند را آلوده کرده‌اند.^{۱۲} خداوند تمام کسانی را که چنین کرده‌اند خواه کاهن باشند، خواه غیرکاهن، از قوم خود اسرائیل اخراج خواهد کرد.

۱۳ شما قربانگاه خداوند را با اشکهای خود پر می‌کنید، زیرا دیگر خداوند هدایای شما را نمی‌پذیرد و برکتی به شما نمی‌دهد.^{۱۴} می‌گویید: «چرا خداوند ما را ترک کرده است؟» دلیلش اینست که شما به همسران که در جوانی با وی پیوند وفاداری بسته بودید، خیانت کرده‌اید و خداوند که شاهد این پیوند بوده، خیانت شما را دیده است.^{۱۵} خداوند شما را با یکدیگر پیوند داد و شما در نظر او یک تن شدید. حال، خدا از شما چه می‌خواهد؟ او می‌خواهد که فرزندان خدانشان داشته باشید. پس مواظب باشید که به همسر خود خیانت نکنید.

۱۰:۲

خرو ۱۹: ۴-۶

یوش ۲۴: ۳

اش ۱۶: ۶۳

ار ۴: ۹

۱۱: ۲

لاو ۲۶: ۲۰

عز ۹: ۲۰

ار ۷: ۹-۹

جز ۱۸: ۱۳

۱۲: ۲

لاو ۱۸: ۲۹

اعد ۱۵: ۳۱ و ۳۱

۱۳: ۲

اش ۱۱: ۱-۱۵

ار ۱۱: ۱۴ ؛ ۱۴: ۱۴

۱۵: ۲

خرو ۲۰: ۱۴

لاو ۲۰: ۱۰

هو ۱: ۱۰

ملا ۲: ۱۴

سهل‌انگار شدند. این سهل‌انگاری به تدریج به گناهانی زشت انجامید، که ازدواج با بت‌پرستان از جمله آنها بود. عزرا و نحμία نیز پیشتر در مورد چنین گناهی به قوم هشدار داده بودند (عزرا ۹ و ۱۰ ؛ نحμία ۱۳: ۲۳-۳۱).

۱۴:۲ مردم از وضعیت بد خود می‌نالیدند و حال آنکه مقصر اصلی خودشان بودند. مردم اغلب سعی می‌کنند دیگران را مقصر جلوه دهند تا کمتر احساس گناه کنند. اما این کار دردی را دوا نمی‌کند. وقتی دچار مشکل می‌شوید، اول خودتان را تفتیش کنید. آیا اگر رفتار و رویه‌تان را عوض کنید، مشکل برطرف نخواهد شد؟

۱۵ و ۱۴:۲ در آن زمان مردها بودند که زنان خود را طلاق می‌دادند. آنان نسبت به زن خود بی‌وفا می‌شدند و طلاقشان می‌دادند تا با زنان جوانتر ازدواج کنند. و با این کار، پیوند بین زن و شوهر را که خدا مقرر داشته بود (آن دو از این پس یک خواهند بود)، و نیز هدف از چنین پیوندی را (که تربیت کردن فرزندان خدانشان بود) نادیده می‌گرفتند. مردان نه تنها به زنانشان خیانت می‌کردند، بلکه نسبت به پیوندشان با خدا و هدف روحانی چنین رابطه‌ای نیز بی‌اعتنا بودند.

۱۶ و ۱۵:۲ منظور از این جمله که «مواظب باشید به همسر خود خیانت نکنید» این است که نسبت به عهد ازدواجتان همانقدر وفادار باشید که خدا به عهدی که با قوم خود

آنان هشدار دهند. آیا در کلیسای شما نیز کسانی هستند که آزادانه خطا می‌کنند بدون آنکه کسی از آنها انتقاد کند؟ در کلیسا بین هیچ کس نباید به سبب ثروت یا مقام و موقعیتش تبعیض قائل شد. بگذارید معیارهایتان همانی باشد که در کلام خدا آمده است. هرگز از گروهی خاص جانبداری نکنید و با این کار خود را در نظر خدا خوار و حقیر نسازید (ر.ش. یعقوب ۲: ۴-۴).

۱۶-۱۰:۲ مردم در خانه‌های خود نشان می‌دادند که نسبت به خدا بی‌وفا شده‌اند. درست است که علناً نمی‌گفتند منکر خداوند، اما طوری زندگی می‌کردند که گویی خدایی وجود ندارد. طلاق به شدت رواج داشت و مردان صرفاً محض تنوع زناشویی را طلاق می‌دادند. طوری رفتار می‌کردند که گویی می‌توانند هر کاری دلشان می‌خواهد انجام دهند و کسی نیست که مجازاتشان کند. ما نمی‌توانیم رابطه با خدا را جدای از بقیه جنبه‌های زندگی مان بدانیم. او باید خداوند کل زندگی مان باشد.

۱۲ و ۱۱:۲ مردم پس از اتمام بازسازی معبد و تکمیل دیوارهای شهر، از اینکه می‌دیدند پیشگویی‌های گذشته انبیا رفته‌رفته تحقق می‌یابد به هیجان آمدند. اما به مرور زمان، آنچه در مورد نابودی دشمنان خدا و آمدن مسیح موعود پیشگویی شده بود عملی نشد و در نتیجه مردم دلسرد شده، نسبت به اطاعت از احکام خدا سست و

^{۱۶} خداوند، خدای اسرائیل می‌فرماید: «من از طلاق نفرت دارم، و نیز از اینکه کسی ظلم را همچون جامه به تن کند. پس مواظب روحهای خود باشید و از خیانت بپرهیزید.»

^{۱۷} شما با حرفهایی که می‌زنید خداوند را خسته کرده‌اید!

می‌پرسید: «با کدام حرفها؟»

با این حرفها که می‌گویید: «خدایی که به انصاف داوری می‌کند کجاست؟ مثل اینکه او بدکاران را دوست دارد و از آنها راضی است!»

آمدن خداوند

^۳ خداوند قادر متعال می‌فرماید: «قاصد خود را می‌فرستم تا راه را برای من آماده کند. سپس خداوندی که انتظارش را می‌کشید ناگهان به خانهٔ خود خواهد آمد. آن رسولی که شما مشتاق دیدارش هستید خواهد آمد و عهد مرا به شما اعلان خواهد کرد.»

^۲ اما کیست که یارای ایستادن در مقابل او را داشته باشد؟ و کیست که بتواند آمدنش را تحمل کند؟ زیرا او همچون آتش سوزانی است که فلز را تصفیه می‌کند و مثل صابونی است که کثیف‌ترین لباس‌ها را پاک می‌کند. ^۳ او مانند کسی که فلز را تصفیه می‌کند کاهنان را همچون طلا و نقره پاک خواهد کرد تا آنها با دل پاک هدایا را به خداوند تقدیم کنند. ^۴ آنگاه مثل گذشته، خداوند از هدایایی که مردم یهودا و اورشلیم برایش می‌آورند خشنود خواهد شد.

۱۶:۲

تث ۱۰:۲۴

متی ۳۱:۵؛ ۸-۶:۱۹

۱۷:۲

اش ۲۴:۲۲؛ ۱۹:۵؛ ۴۳

ار ۱۵:۱۷

صف ۱۲:۱

۱:۳

اش ۹:۶۳

۲:۳

اش ۴:۴

جز ۱۴:۲۲

زکر ۹:۱۳

متی ۱۰:۳-۱۲

۳:۳

مز ۱۹:۵۱

جز ۱۸:۲۲-۲۲

دان ۱۰:۱۲

۴:۳

توا ۱۰:۷-۳

مز ۱۷:۵۱-۱۹

ار ۲:۲

زکر ۳:۸

موعود است که هم ملاکی و هم یحیی تعمیددهنده راه را برایش هموار ساختند.

^{۳:۳} در فرایند تصفیه فلزات، فلز خام را آنقدر با آتش حرارت می‌دهند تا ذوب شود و ناخالصی‌ها به سطح فلز بیاید. آنگاه این ناخالصی‌ها را بر می‌دارند و حاصل، فلزی خالص با سطحی صاف و صیقل‌یافته است. اگر فلز حرارت نمی‌دید و ذوب نمی‌شد، تصفیه نیز صورت نمی‌گرفت. هنگامی که ناخالصی‌ها از سطح فلز جدا می‌شود، تصویر فرد تصفیه‌گر بر سطح صاف و صیقلی فلز انعکاس می‌یابد. در مورد ما نیز همین طور است. وقتی خدا ما را پاک و خالص می‌سازد، کسانی که در اطراف ما هستند رفته‌رفته خواهند توانست تصویر خدا را در زندگی‌مان ببینند. خدا می‌گوید که رهبران (در اینجا لاویان) باید به‌ویژه برای انجام این فرایند خالص‌سازی در زندگی‌شان آماده باشند.

بست پایبند و وفادار است. لازم است زن و شوهر در رابطه زناشویی همیشه آن شور زمان ازدواج را حفظ کنند تا از این طریق تعهدشان را زنده نگاه دارند و از مصاحبت با هم لذت برند. شور و اشتیاق آنها صرفاً باید معطوف یکدیگر باشد.

^{۱۷:۲-۶:۳} خدا از اینکه می‌دید مردم چطور حقایق را وارونه جلوه می‌دهند خسته شده بود. او قصد داشت آنان را که می‌گفتند «چون خدا سکوت کرده لایذ با اعمالشان موافق است»، به شدت مجازات کند. نیز بر آن بود که کسانی را که ایمانی دروغین داشتند تنبیه کند. پطرس رسول نیز به ما هشدار می‌دهد که بهتر است با عیسی مسیح آشنا شویم تا در برابر چنین توهماتی مصون بمانیم (۲ پطرس ۱۵:۳-۱۸).

^{۱:۳} در این آیه از دو قاصد یا پیام‌آور سخن به میان می‌آید. اولی را معمولاً یحیی تعمیددهنده می‌دانند (متی ۱۱:۱۰؛ لوقا ۷:۲۷). اما منظور از قاصد دوم، عیسی یعنی همان مسیح

خداوند قادر متعال می‌فرماید: «من برای داوری به میان شما خواهم آمد و بضد بدکاران شهادت خواهم داد یعنی بضد جادوگران، زناکاران و دروغگویان، بضد تمام کسانی که حق کارگران خود را نمی‌دهند، و کسانی که به بیوه زنان، یتیمان و غریبان ظلم می‌کنند و از من نمی‌ترسند.»

قوم خدا از او می‌دزدند

خداوند قادر متعال می‌فرماید: «من خداوندی تغییرناپذیر هستم. به همین دلیل است که شما، ای نسل یعقوب، تابحال از بین نرفته‌اید.^۷ هر چند شما هم مثل پدران خود از احکام من سرپیچی نموده، آنها را به جا نیاورده‌اید، ولی اینک بسوی من بازگشت نمایید و من شما را خواهم بخشید. می‌گویید: مگر ما چه کرده‌ایم که باید بازگشت کنیم؟

«آیا کسی از خدا دزدی می‌کند؟ ولی شما از من دزدی کرده‌اید! می‌پرسید: مقصودت چیست؟

«مقصودم ده یک‌ها و هدایاست.^۸ ای قوم اسرائیل، همه شما ملعون هستید، زیرا از مال من می‌دزدید.^۹ ده یک دارایی خود را بطور کامل به خانه من بیاورید تا خوراک کافی در آنجا باشد. به این ترتیب مرا امتحان کنید و ببینید چگونه روزنه‌های آسمان را باز می‌کنم و شما را از برکات خود لبریز می‌سازم!^{۱۰} من حشرات و آفات را از زمین شما دور می‌کنم تا محصولات از بین نرود و تاکستانهایتان میوه فراوان بدهند.^{۱۱} همه قوم‌ها شما را خوشبخت خواهند خواند، زیرا صاحب سرزمینی با صفا خواهید بود.»

۵:۳

خرو ۲۲:۲۲-۲۴

تث ۱۱:۵؛ ۱۰:۱۸؛ ۱۰:۲۷

ار ۲:۵؛ ۹:۷

حز ۹:۲۲-۱۱

۷:۳

زکر ۳:۱

۸:۳

لاو ۱۵:۵ و ۱۶

نح ۱۱:۱۳

۱۰:۳

مز ۲۳:۷۸-۲۹

حز ۲۶:۳۴

۱۱:۳

یول ۴:۱؛ ۲۵:۲

۱۲:۳

تث ۷:۱۰-۱۰

مز ۱۷:۷۲

اش ۹:۶۱؛ ۴:۶۲

زکر ۲۳:۸

را بپذیرد. اما مردم در اینجا چنان جسور و گستاخ شده‌اند که به خود جرأت داده، می‌گویند که هیچگاه از احکام خدا سرپیچی نکرده‌اند! بسیاری از مردم هدیه بخشش و احیا را رد کرده‌اند زیرا حاضر نبوده‌اند گناهان خود را بپذیرند. شما از این گونه افراد پیروی نکنید. خدا حاضر است ما را ببخشد، اما هرگز بدی و شرارت را خوب نخواهد خواند.

۸-۱۲ مردم زمان ملاکی، دستور خدا مبنی بر دادن ده یک در آمد خود به معبد را نادیده می‌گرفتند. ممکن است از این می‌ترسیدند که آنچه را به زحمت به دست آورده‌اند از دست بدهند، اما در این مورد سخت در اشتباه بودند، زیرا خداوند فرموده است: «بدهید تا به شما داده شود» (لوقا ۳۸:۶). به‌هنگام دادن، باید توجه داشته باشیم که برکاتی که خدا وعده‌اش را داده همیشه جنبه مادی ندارد و ممکن است به‌طور کامل بر روی این زمین تجربه نشود، اما در زندگی آینده قطعاً از این برکات برخوردار خواهیم شد.

۶-۱۲ ملاکی مصرانه از قوم می‌خواهد که از دادن ده یک طفره نروند و آنچه را که متعلق به خدا است برای خود نگاه ندارند. نظام ده یک در زمان موسی آغاز شد (لاویان ۲۷:۳۰-۳۴؛ تثییه ۱۴:۲۲). قسمتی از این ده یک به لاویان می‌رسید، زیرا آنان اجازه نداشتند از خود زمینی داشته باشند (اعداد ۱۸:۲۰ و ۲۱). اما در زمان ملاکی، ده یک جهت حمایت از کسانی که به خدا خدمت می‌کردند به کار نمی‌رفت، و از این رو لاویان مجبور بودند برای تأمین معاش خود کار کنند. ما هر چه داریم از آن خدا است، بنابراین وقتی حاضر نیستیم بخشی از آنچه را که او خود به ما داده به او باز گردانیم، در واقع از او می‌دزدیم. آیا شما خودخواهانه به تمام آنچه به شما داده شده چنگ می‌زنید، یا اینکه حاضرید قسمت اول آن را جهت گسترش ملکوت خدا به او باز گردانید؟

۷:۳ ظاهراً صبر خدا را پایانی نیست! مردم در تمام طول تاریخ پیوسته از فرامین خدا سرپیچی کرده و حتی او را به تمسخر گرفته‌اند، و با این حال او باز آماده است آنها

۱۳ خداوند می‌فرماید که شما بضد او سخنان دروغ گفته‌اید؛ ولی شما به او می‌گویید: «بضد تو چه گفته‌ایم؟»

۱۴ و گفته‌اید: «عبادت خدا و اطاعت از او بی‌فایده است. چرا برای اعمالمان باید به حضور خداوند برویم و اظهار پشیمانی کنیم؟ ببینید چطور آدمهای متکبر خوشبخت زندگی می‌کنند و بدکاران کامیاب می‌شوند و با وجود اینکه مرتکب اعمال زشت می‌شوند خدا آنها را مجازات نمی‌کند!»

۳- محدود افراد وفادار (۱۶:۳-۱۶:۴)

۱۶ آنگاه کسانی که ترس خداوند را در دل داشتند، با یکدیگر به گفتگو نشستند و خداوند به گفتگوی آنان گوش داد و سخنان ایشان را شنید. سپس در کتابی که در حضور خداوند بود اسامی کسانی که ترس خداوند را در دل داشتند و نام او را گرامی می‌داشتند، نوشته شد. ۱۷ خداوند قادر متعال می‌فرماید: «در آن روزی که من تعیین کرده‌ام، آنها قوم خاص من خواهند بود و همانطور که یک پدر، پسر مطیع خود را می‌بخشد، من نیز ایشان را خواهم بخشید. ۱۸ آنگاه خواهید دید که خدا با اشخاص خوب و بد، با خدمتگزاران خود و آنانی که او را خدمت نمی‌کنند، چگونه رفتار می‌کند.»

روز عظیم داوری خداوند

۴ خداوند قادر متعال می‌فرماید: «روز داوری مثل تنوری شعله‌ور فرا می‌رسد و همه اشخاص مغرور و بدکار را مانند کاه می‌سوزاند. آنها مانند درخت تا ریشه خواهند سوخت و خاکستر خواهند شد. ۲ اما برای شما که ترس مرا در دل دارید، آفتاب عدالت با پرتو شفافبخش

۱۵:۱۴:۳

مز ۸:۱۳-۱۳

اش ۵۸:۳

ار ۷:۱۰

صف ۱:۱۲

۱۶:۳

اش ۲:۳ و ۳

دان ۱:۱۲

۱۷:۳

نح ۱۳:۲۲

ا پتر ۱:۱۳-۱۶

۱۸:۳

مز ۵۸:۱۱ و ۱۱

عا ۵:۱۵

۱:۴

اش ۹:۲۴ ؛ ۹:۱۸ و ۱۹

متی ۳:۱۲

۲:۴

۲ سمو ۲۳:۴

اش ۳۰:۲۶ ؛ ۳۵:۶

ار ۳۰:۱۷ ؛ ۳۳:۶

کسانی که دوستش می‌دارند و از او اطاعت می‌کنند، مانند گرمای شفافبخش آفتاب خواهد بود. یحیای تعمیددهنده پیشگویی کرد که با آمدن مسیح، نور بر کسانی که در تاریکی گناه به‌سر می‌برند طلوع خواهد کرد (لوقا ۱:۷۶-۷۹). در اشعیا ۶۰:۲۰ و مکاشفه ۲۱:۲۳ و ۲۴ می‌خوانیم که در شهر مقدس خدا دیگر به نور احتیاجی نیست، زیرا خدا خود نور است.

۲:۴ این آخرین آیات عهدعتیق آکنده از امید است. زندگی کنونی هر قدر هم که دشوار و نومیدکننده باشد، آینده در دست خدا است و او همه چیز را احیا خواهد کرد. ما که خدا را دوست داشته‌ایم و به او خدمت کرده‌ایم، مشتاقانه در انتظار شادی و برپایی جشنی باشکوه می‌باشیم. مادام که در زندگی خود به خدا اعتماد داشته باشیم، این امید برای آینده متعلق به ما است.

۱۳-۱۵ این آیات به نگرش غرورآمیز مردم نسبت به خدا می‌پردازد. وقتی می‌گوییم «عبادت خدا چه فایده‌ای دارد؟» در واقع می‌گوییم «عبادت خدا برای من چه فایده‌ای دارد؟» بنابراین انگیزه‌مان کاملاً خودخواهانه است. سؤالمان در واقع باید این باشد: «عبادت چه فایده‌ای برای خدا دارد؟» ما باید خدا را بیرستیم صرفاً به این خاطر که او خدا است و سزاوار پرستش.

۱۶:۳ کتاب یا دفتر یادگاری که در اینجا از آن صحبت می‌شود خواه واقعی باشد خواه تمثیلی، منظور اصلی این است که خدا همیشه کسانی را که نسبت به او وفادارند و او را دوست می‌دارند و حرمت می‌نهند و از او می‌ترسند، به یاد خواهد آورد.

۲:۴ در روز داوری، غضب خدا به‌سان آتش تنوری شعله‌ور بر شیران فرود خواهد آمد (۱:۴)، اما او برای

خود طلوع خواهد کرد، و شما شاد و سبکبال مثل گوساله‌هایی که به چراگاه می‌روند، جست و خیز خواهید نمود. ^۳ در آن روزی که من تعیین کرده‌ام، بدکاران را مثل خاکستر زیر پای خود له خواهید کرد.

^۴ «دستورات و قوانینی را که بر کوه سینا توسط خدمتگزار خود موسی به همه قوم اسرائیل دادم به یاد داشته باشید و از آن اطاعت کنید.

^۵ «پیش از فرا رسیدن روز بزرگ و هولناک داوری خداوند، من رسولی شبیه ایلیای نبی برای شما می‌فرستم. ^۶ او دل‌های پدران و فرزندان را دوباره بهم نزدیک خواهد کرد و این باعث خواهد شد که من سرزمین شما را ویران نکنم.»

۴:۴
خرو ۳:۲۰
تث ۵:۴
۵:۴
متی ۱۴:۱۱
مر ۱۳:۱۱-۹
۶:۴
اش ۶:۲۴
متی ۲۱:۱۱
مکا ۱۵:۱۹

خود را اصلاح کنیم (۲:۱۰-۲)، برای زندگی خانوادگی اولویت قائل شویم (۲:۱۳-۱۵)، اجازه دهیم خدا زندگی ما را تصفیه و پاک و خالص سازد (۳:۳)، و دهیک درآمد خود را به او بدهیم (۳:۸-۱۲). نیز نباید اجازه دهیم غرور جایی در زندگی ما داشته باشد (۳:۱۳-۱۵).

ملاکی در پایان پیام‌هایش، به روز عظیم داوری اشاره می‌کند. این روز برای کسانی که به خدا وفادار بوده‌اند، روز شادی و آغاز زندگی ابدی در حضور خدا خواهد بود. اما کسانی که خدا را نادیده گرفته‌اند، «مثل کاه سوزانده خواهند شد» (۴:۱). خدا برای آنکه به مردم کمک کند خود را برای این روز آماده سازند، یک نبی شبیه ایلیا خواهد فرستاد (که همان یحیی تعمیددهنده باشد). او راه را برای عیسی، یعنی مسیح موعود، هموار خواهد ساخت. در آغاز عهدجدید، این نبی را می‌بینیم که مردم را فرا می‌خواند از گناهان خود توبه کنند و به سوی خدا باز گردند. لازمه چنین تعهدی نسبت به خدا این است که در زندگی از خیلی چیزها صرف‌نظر کنیم، اما مطمئنیم که در پایان ارزش آن را خواهد داشت.

۴:۴ این احکام که در کوه حوریب (سینا) به موسی داده شد، شالوده حیات مدنی و اخلاقی و مذهبی قوم است (خروج ۲۰؛ تثیه ۴:۵۰۶). ما نیز امروزه باید کماکان از این احکام پیروی کنیم، زیرا برای تمام نسل‌ها کاربرد دارد.

۴:۵-۶ ایلیا یکی از بزرگترین انبیای تاریخ بود (سرگذشت او در ۱ پادشاهان ۱۷ تا ۲ پادشاهان ۲ آمده است). پس از وفات ملاکی، صدای انبیای خدا به مدت چهارصد سال خاموش ماند. اما پس از آن پیامری می‌آمد شبیه ایلیا، تا ظهور مسیح را نوید دهد (متی ۱۷:۱۰-۱۳؛ لوقا ۱:۱۷). این نبی، یحییای تعمیددهنده بود. او مردم را فرا خواند تا از گناهان خود توبه کنند، و بدین ترتیب قلب آنان را برای پذیرفتن عیسی مسیح آماده کرد. این امر هم باعث نزدیکی و اتحاد می‌شد، و هم در عین حال بر کسانی که حاضر نبودند از گناهانشان باز گردند داوری خدا را نازل می‌ساخت.

۶:۴ ملاکی در مورد پیروی از خدا، رهنمودهای عملی ارائه می‌دهد. می‌گوید خدا شایسته است که بهترین‌های خود را به او بدهیم (۱:۷-۱۰)، باید حاضر باشیم اشتباهات